

## تهمت و بهتان و راه‌های برون‌رفت

مرضیه قنبری\*

### مقدمه

تهمت و بهتان، از آفاتی هستند که اثر تخریبی آن‌ها در روابط بین فردی، به مراتب بیشتر از دیگر آسیب‌های گفتاری است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت نابودکننده روابط اجتماعی و ناپسندترین بیماری‌های زبان هستند که اگر در یک جامعه رایج شود، امنیت و آبروی افراد تهدید می‌شود. در اجتماعی که افراد آن به خود حق بدهند به دیگران بهتان و تهمت بزنند، اعضای آن احساس امنیت و آرامش نمی‌کنند؛ از این رو یکی از مباحث مهم اخلاقی که در آیات و روایات مورد توجه قرار گرفته است، آفات زبان است. بر این اساس در روایات به مراقبت از زبان تأکید شده است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَ شَرِّ فَيَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخْتِمَ عَلَى لِسَانِهِ كَمَا يَخْتِمُ عَلَى ذَهَبِهِ وَ فِضَّتِيهِ»<sup>۱</sup> به راستی این زبان کلید هر خوبی و بدی است و سزاوار است که مؤمن بر زبان خود مهر زند؛ چنانکه بر طلا و نقره‌اش مهر می‌زند». در نوشتار حاضر به دو آفت مهم زبان، یعنی تهمت و بهتان پرداخته است.

### مفهوم بهتان و تهمت

#### ۱. بهتان

بهتان از «بهت» و در لغت به معنای متحیر و مدهوش شدن<sup>۲</sup> و در عرف به معنای دروغ بستن به افراد است؛ به گونه‌ای که موجب تحیر افراد شود.<sup>۳</sup> همچنین به معنای نسبت ناروا دادن به کسی

\* دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم.

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۹۸.

۲. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۰۷.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۴۸.

است، در حالی که آن شخص بی گناه است و از آن نسبت اطلاعی ندارد.<sup>۱</sup> در بهتان گاهی انسان گناه خود را به دیگری نسبت می دهد.<sup>۲</sup> خداوند متعال در قرآن به این معنا اشاره نموده و فرموده است: «وَمَنْ يَكْسِبْ حَظِيئَةً أَوْ إِنَّمَا تَمَّ يَوْمٌ بِهِ بَرِيئاً فَقَدْ اِحْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا».<sup>۳</sup> طبق این آیه هر کسی که گناه کوچک یا بزرگ که ضرر فردی و اجتماعی در بردارد، به شخص دیگری که از آن گناه بری است؛ نسبت دهد، مانند تیری است که به سوی او پرتاب نموده است و او را در نظر مردم ننگین و از اعتبار ساقط می کند. چنین شخصی گناهی بسیار بزرگ مرتکب شده و مستوجب عقوبت خواهد بود. بر این اساس هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود و آن را به دیگری نسبت دهد، بهتان و گناهی آشکار به گردن گرفته است.<sup>۴</sup> بنابراین شخصی که مرتکب بهتان شده است، هم عقوبت معصیت را دارد و هم چندین عقوبت دیگر برایش نوشته می شود که عبارتند از: ظلم به غیر و اذیت به او، توهین، افتراء، هتک احترام، مفتضح کردن او، کذب و غیبت.<sup>۵</sup>

## ۲. تهمت

تهمت از «وهم» و به معنای اظهار بدگمانی است که در دل انسان راه یافته است.<sup>۶</sup> در حقیقت تهمت، برداشت منفی داشتن به گفتار، رفتار و یا حالت کسی است؛ در حالی که این نگرش برگرفته از سوءظن است و در واقع آن رفتار، زشت و ناپسند نیست.<sup>۷</sup> بر این اساس خداوند در آیات برای کسی که مرتکب گناه «تهمت» شود، عذاب دردناک در نظر گرفته است: «إِنَّ السَّائِرِينَ يَوْمَئِذٍ الْمُهْتَمِّينَ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمٍّ مُّبِينٍ».<sup>۸</sup> در این آیه مجازات‌های تهمت‌زندگان به زنان پاکدامن گفته شده و با بیان ویژگی مؤمن بودن و غافل‌گیر

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۳۵.

۲. محمد مهدی تاج لنگرودی، اخلاق آموزشی، ص ۱۳۳.

۳. نساء: ۱۱۲: «وَكُلُّ مَنْ حَسِبَ أَنَّ يَوْمَهُ يَوْمَ بَرِيئاً فَقَدْ اِحْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا»  
دوش گرفته است».

۴. علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۴، ص ۱۹۸.

۵. عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۰۱.

۶. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۱۰۰؛ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۶۴۴.

۷. مجتبی تهرانی، اخلاق الهی، ج ۴، ص ۱۴۴.

۸. نور: ۲۳: «كَسَانِيَّ كَذِبًا زَنَانًا يَوْمَئِذٍ يَكْفُرُونَ بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُكَذِبُونَ»  
رحمت الهی بدورند و عذاب بزرگی برای آن هاست».

شدن زنان پاک‌دامن، کیفری شدیدی برای تهمت‌زنندگان بیان کرده است؛ یعنی تهمت زدن به زنان پاک‌دامن مجازات سنگینی دارد، اما اگر آن زن پاک‌دامن مؤمن بی‌خبری باشد؛ تهمت به او کیفر سنگین‌تری خواهد داشت.

### ۳. تفاوت بهتان و تهمت

اگر چه در عرف «بهتان» و «تهمت» به یک معنا استعمال می‌شوند، اما در حقیقت فردی که مرتکب بهتان می‌شود، از غرض و انگیزه خود اطلاع دارد و می‌داند که نسبت او نارواست و کار درستی انجام نداده است؛ اما از روی خواسته‌ها و اغراض نفسانی مانند کینه، حسادت و یا دشمنی، صفت یا رفتار ناشایستی را به کسی نسبت می‌دهد. خداوند در باره بهتان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا كُنْتُمْ لَهَا بِشَيْءٍ فَكُنُوا عَمَّاتٍ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ وَهُمْ فِي الْعَذَابِ مُدْخَلُونَ» (و کسانی که مردان و زنان را بی‌آنکه مرتکب چیزی (عمل زشتی) شده باشند، آزار می‌رسانند؛ قطعاً بهتان و گناه آشکاری به گردن گرفته‌اند). بنابراین در بهتان تهمت‌زننده از روی علم و آگاهی، گناه یا عیبی را به شخصی نسبت می‌دهد؛ اما در تهمت، تهمت‌زننده بدون علم و آگاهی و بلکه از روی گمان چیزی را به شخصی نسبت می‌دهد. بنابراین «تهمت» برگرفته از برداشت شخص است که به رفتار دیگری بدگمان می‌شود، اما در واقع نمی‌داند که رفتار ناپسند از شخص سر زده است یا نه.<sup>۲</sup> بسیاری از تهمت‌ها به خاطر ناآگاهی و سوءظن ایجاد می‌شود. بنابراین در «بهتان» دروغ بودن نسبت برای نسبت‌دهنده روشن است، اما در «تهمت» به دروغ بودن آن اطمینان ندارد؛ بلکه سوءظن، منشأ آن نسبت است.

### آثار تهمت و بهتان

#### ۱. ذوب شدن ایمان

تهمت و بهتان، از جمله گناهانی است که ایمان انسان را از بین می‌برد و باعث می‌شود فرد تهمت‌زننده اثرات ناشی از تهمت را بر بار آخرتی خویش حمل نماید و پاسخگویی هر یک از آن اثرات باشد؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «وَالْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِيِّ أَثْقَلُ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِيَّاتِ»<sup>۳</sup> بهتان زدن به آدم بی‌گناه سنگین‌تر از کوه‌های استوار است. به تعبیری کوه استوار با

۱. احزاب: ۵۸.

۲. مجتبی‌تهرانی، اخلاق الهی، ج ۴، ص ۱۴۴.

۳. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۲۴۵.

زلزله‌های شدید هم تکان نمی خورد، اما تهمت آنقدر سنگین است که کوه با عظمت و استوار را هم می لرزاند و نمی تواند بار این گناه با عظمت و کبیره را تحمل کند. همچنین امام صادق علیه السلام فرموده است: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ ائْتَمَاتُ الْإِيمَانِ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ؛<sup>۱</sup> هر گاه مؤمن به برادر (دینی) خود تهمت زند، ایمان از دلش همچون نمک در آب از بین می رود». از آثار سوء تهمت این است که موجب از بین رفتن ایمان در انسان می شود. در حقیقت بسیاری از اعمال انسان بر ایمان او تأثیر می گذارد. وقتی ایمان انسانی ذوب شد و دیگر اثری از ایمان در قلبش باقی نماند، جایگاهش دوزخ است.

## ۲. از بین رفتن روابط انسانی

بهتان و تهمت، موجب نابودی حرمت‌های برادری و روابط انسانی می شود و عدم اعتماد و ترس از اطمینان را فراهم می کند. امام صادق علیه السلام فرموده است: «مَنْ اتَّهَمَ أَخَاهُ فِي دِينِهِ فَلَا حُرْمَةَ بَيْنَهُمَا؛<sup>۲</sup> آن کسی که به برادر دینی خودش تهمت بزند، دیگر حرمتی بین آن دو باقی نمی ماند». کلمه «فی دینه» در روایت، بیانگر تهمت زدن به «برادر ایمانی» است. تهمت و بهتان موجب می شود که آبروی شخص در میان مردم ریخته شود و بدین ترتیب امنیت و آبروی انسان‌ها مورد تهدید قرار می گیرد.<sup>۳</sup> دین الهی همچون ریسمانی است که در اثر توسل به آن، رابطه برادری ایمانی برقرار می گردد و این پیوند از پیوند نسبی و سببی بسیار محکم‌تر است؛ در حالی که با تهمت زدن به برادر دینی، این رابطه محکم قطع می شود. بر این اساس انسان مؤمن که به مبدأ و معاد اعتقاد دارد، هرگز به دیگری تهمت نمی زند. شاید بر این اساس باشد که خداوند در آیه ۱۲ سوره نور نسبت به افرادی که تهمت را می شنوند و در برابر آن سکوت می کنند، گلایه کرده است: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ؛ چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آن‌ها بود) گمان خیر نبردند و نگفتند این دروغی بزرگ و آشکار است».

عبارت «چرا گمان خیر به خودشان نبردند»، به این مسئله اشاره می کند که آحاد جامعه باید سایرین را مانند خود بدانند و آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران بپسندد و چیزی را در حق خود مذموم می داند و از آن اکراه دارد، در مورد سایرین نیز آن را ناپسند بشمرد. استاد شهید

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۱.

۲. همان، ص ۳۶۲.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۲۷.

مطهری می‌گوید: «... قرآن کریم تکیه فراوانی روی این مطلب دارد که جوّ جامعه اسلامی، جوّ تهمت و بهتان و افترا و بدگویی نباشد. مردم مسلمان هر وقت چیزی در مورد برادران و خواهران مسلمان خود شنیدند، مادام که به سرحد یقین قطعی - نه ظنّ و گمان - نرسیده‌اند که جای شک و شبهه نباشد و یا بینه شرعی اقامه نشده است، وظیفه‌شان این است که آنچه می‌شنوند، به اصطلاح معروف «از این گوش بشنوند و از گوش دیگر بیرون کنند».<sup>۱</sup>

### ۳. قرار گرفتن تحت ولایت شیطان

اگر چه شیطان از رفتارهای زشت و اعمال ناپسند استقبال می‌کند، اما برخی از رفتارهای ناپسند به حدی زشت است که شیطان نیز به زشتی آنان اذعان دارد. بهتان و تهمت، از جمله اعمال ناروایی است که موجب نابود کردن وجهه افراد در جامعه و ریختن آبروی آنان می‌شود؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است:

«مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْئَهُ وَ هَدَمَ مَرْوَةَ تَه لَيْسَقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلايَتِهِ إِلَى وَلايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ؛<sup>۲</sup> هر کس بر ضرر مؤمن حکایتی نقل کند و مقصودش این باشد که او را چرکین کند و آبروی او را بریزد، تا از چشم مردم بیفتد؛ خدا او را از ولایت خود براند و تحت سرپرستی شیطان قرار می‌دهد، ولی شیطان نیز او را نمی‌پذیرد». بنا بر این روایت، آن عمل به اندازه‌ای قبیح است که شیطان نیز او را از خود می‌راند. تهمت و بهتان، به اندازه‌ای زشت و زننده است که حتی شیطان هم از انجام‌دهنده آن دو بیزاری می‌جوید.»

### ۴. عذاب و مجازات اخروی

بهتان و تهمت، از گناهان کبیره‌ای است که از نظر اسلام امری به شدت مذموم و ناپسند است. در این راستا خداوند متعال برای شخص تهمت‌زننده مجازات اخروی در نظر گرفته است؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ بَهَتْ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَهُ فِيهِ؛<sup>۳</sup> هر کس به مؤمنی یا مؤمنه‌ای بهتان زند یا افترا بی بندد، به آن چه که در او نیست؛ در روز قیامت خداوند او را بر تلی از آتش نگه می‌دارد تا

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۶، ص ۴۱۹.

۲. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص ۱۳۵؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۸.

۳. محمد بن علی صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴.

اینکه از عهده کلامی که بر وی بسته است، بیرون آید». «در حقیقت رواج این کار ناجوانمردانه در يك محیط، سبب به هم ریختن نظام و عدالت اجتماعی و آلوده شدن حق به باطل و گرفتار شدن بی‌گناه و تبرئه گنهکار و از میان رفتن اعتماد عمومی می‌شود».<sup>۱</sup>

### راه‌های برون‌رفت از بهتان و تهمت

در پایان، برای برون‌رفت از این گناهان بزرگ چند روش توصیه می‌شود:

۱. گام نخست برای برون‌رفت از گناه تهمت و بهتان تهذیب نفس است. انسان باید به تهذیب نفس بپردازد و با تمرین و ممارست تلاش کند عنان زبان را در اختیار خود بگیرد. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»<sup>۲</sup> که هر کس نفس خود را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد». تهذیب نفس کمک می‌کند شخص قبل از اینکه سخنی بگوید ابتدا در باره سخن خود بیندیشد، اگر سخن صواب و خوبی بود آن بر زبان جاری سازد و اگر اینچنین نبود، سکوت کند. شخصی که با تهذیب نفس و تزکیه آن، توانسته است به مرتبه ای از تقوا دست یابد، هرگز به خود اجازه نمی‌دهد آبروی اشخاص را ببرد و گناه بزرگی مانند تهمت و یا بهتان را که موجب عذاب اخروی می‌شود، مرتکب شود.

۲. یکی دیگر از بهترین راه‌ها برای کنترل زبان و برون‌رفت از گناه تهمت و بهتان، آن است که تا می‌توانیم سکوت اختیار کنیم و در جمع کمتر سخن بگوییم. امیرمؤمنان علی علیه السلام در ضمن نامه‌ای به فرزند بزرگوارش امام حسن علیه السلام فرموده است: «و تَلَاْفِيكَ مَا فَرَطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِذْرَاكِكَ مَا فَاتَ مِنْ مُنْطِقِكَ، وَ حِفْظُ مَا فِي الْوَعَاءِ بِشَدِّ الْوُكَاةِ»<sup>۳</sup> جبران آنچه بر اثر سکوت خود از دست داده‌ای، آسان‌تر از جبران آن است که بر اثر سخن گفتن از دست رفته باشد. نگهداری آنچه در ظرف است، با محکم بستن دهانه آن امکان‌پذیر است». اشاره به اینکه انسان اگر از گفتن چیزی خودداری و صرف نظر کند و بعد بفهمد این سکوت اشتباه بوده است، به سرعت می‌تواند آن را تلافی و تدارک کند؛ در حالی که اگر سخنی بگوید و بعد بفهمد این سخن اشتباه بوده است، بازگرداندن آن امکان‌پذیر نیست؛ همانند آبی که به روی زمین ریخته می‌شود و جمع کردن آن عادتاً غیر ممکن است. امام صادق علیه السلام فرموده است:

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۲۱.

۲. الشمس: ۹.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

قَالَ دَاوُدُ [السَّلِيمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ]: يَا بُنَيَّ!... عَلَيْكَ بِطَوْلِ الصَّمْتِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ؛ فَإِنَّ النَّدَامَةَ عَلَى طَوْلِ الصَّمْتِ مَرَّةً وَاحِدَةً خَيْرٌ مِنَ النَّدَامَةِ عَلَى كَثْرَةِ الْكَلَامِ مَرَّاتٍ. يَا بُنَيَّ، لَوْ أَنَّ الْكَلَامَ كَانَ مِنْ فَضِيَّةٍ يَنْبَغِي لِلصَّمْتِ أَنْ يَكُونَ مِنْ ذَهَبٍ؛<sup>۱</sup> حَضَرْتُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِ فَرَزَنْدَش سَلِيمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُود: فَرَزَنْدَم بَر تَوْبَاد بَه سَكُوت وَ دَم فَرُو بَسْتَن، مَگَر اَز بِيَان خُوبِي؛ زِيْرَا يَك بَار پَشِيمَانِي بَر خَامُوشِي طُولَانِي، بَهْتَر اسْت اَز بَارِهَا پَشِيمَانِي بَر پَرگُوبِي. پَسْرَم! اَگَر سَخَن اَز نَقْرَه بَاشَد، سَزَاوَار اسْت كِه سَكُوت اَز طَلَا بَاشَد.

۳. حاضر نشدن در مجالس و مکان‌هایی است که در آن‌ها تهمت و بهتان شکل می‌گیرد؛ یعنی گاهی حضور در جمعی که بیشتر افراد آن زشتکارند، منشأ بدگمانی و تهمت می‌شود؛ هر چند خود فرد زشتکار نباشد. عدم حضور در چنین مکان‌ها و مجامعی که برای انجام اهدافی زشت بر پا شده است، می‌تواند زمینه اتهام را کاهش دهد. از امام صادق عليه السلام نقل شده است که پدر بزرگوارش حضرت باقر عليه السلام به او فرمود: «يَا بُنَيَّ، مَنْ يَصْحَبُ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمُ وَ مَنْ لَا يَقِيْدُ أَلْفَاظَهُ يَنْدَمُ وَ مَنْ يَدْخُلُ مَدَاخِلَ السُّوءِ يَتَّهَمُ؛<sup>۲</sup> پَسْرَم! هر که با دوست بد همنشینی کند، سالم نمی‌ماند و هر که گفتار خود را مهار نکند، پشیمان می‌گردد و هر که به جاهای بد در آید، آماج تهمت و بدگمانی می‌شود». امام صادق عليه السلام در جایی دیگر از رسول اکرم صلى الله عليه وآله روایت کرده است: «وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالتَّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التَّهْمَةِ؛<sup>۳</sup> سَزَاوَارْتَرِيْن مَرْدَم بَه مَتَهْم شَدَن، كَسِي اسْت كِه بَا اِفْرَادِي كِه مَتَهْم هَسْتَنَد؛ هَمْنَشِيْنِي كَنَد». امام علی عليه السلام نیز فرموده است: «وَ اِيَّاكَ وَ مَوَاطِنَ التَّهْمَةِ وَ الْمَجْلِسَ الْمَطْنُونَ بِه السُّوءِ فَإِنَّ قَرِيْنَ السُّوءِ يُعَيِّرُ جَلِيْسَه؛<sup>۴</sup> اَز جَاهَايِي كِه مَوْرَد تَهْمْت قَرَار مِي گِيْرَنَد وَ مَجْلَسِي كِه بَه اَن گَمَان بَد بَرْدَه مِي شُود، بِيْرَهِيْز. بَه دَرَسْتِي كِه هَمْنَشِيْن بَد، هَمْنَشِيْن خُود رَا فَرِيْب مِي دَهَد.»

## فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۷، ح ۱۳.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۷۷.

۳. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۵.

۴. محمد بن محمد مفید، الامالی، ص ۲۲۲.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۴. تاج لنگرودی، محمد مهدی، اخلاق آموزشی، تهران: تاج لنگرودی، ۱۳۷۲ش.
۵. تهرانی، مجتبی، اخلاق الهی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش معاصر، ۱۳۸۱ش.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، مشهد: آستانة الرضوية المقدسة، ۱۴۱۴ق.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۸. صدوق، محمد بن علی، الأمالی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، بی تا.
۹. \_\_\_\_\_، عیون اخبار الرضا عليه السلام، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۰. \_\_\_\_\_، من لا یحضره الفقیه؛ مصحح علی اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۰ق.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۱۳. طیب، عبدالحسین، أظیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: اسلام، ۱۳۶۹ش.
۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۶. قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد یعتت، ۱۳۷۵ش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری،
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۲۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.